

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

"کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری، اقتباس و ... این پایان‌نامه به دانشگاه بیرجند تعلق دارد و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است"



دانشگاه بیرجند  
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد  
رشته‌ی زبان و ادبیات عربی

عنوان:

کارکرد اسطوره در آثار جبران خلیل جبران

استاد راهنما:

دکتر عبدالرحیم حقدادی

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا عزیزی

نگارنده:

زهرة اسدزاده

تابستان ۹۳

تقدیم بہ

آشنا ترین ترنم ایثار: پدرم

تندیس جاودانہ می مہر: مادرم

و بہ آغاز فصل سبز زندگی: ہم سہرم

## تشکر و سپاس

در آغاز سپاس خدای را که سخوران، در ستودن او بماند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را کزاردن نتوانند. و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آمان که وجودمان و امدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

پس از آن سپاسگزار وجود مقدس فرشتگانی، هستم که لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگیم، مدیون حضور سبز آنهاست.

پدرم؛ که در تمام طول زندگی چون کوهی استوار حمایت کرد  
مادرم؛ آن مهربانی که انقبای زندگی به من آموخت  
و همسر من؛ که سایه ی مهربانش سایه ساز زندگیم است، او که اسوه ی صبر است و مشکلات مسیر را  
برایم تسهیل نمود و اینک در سایه ی همیاری و همدلی او به این منظور نائل شدم.

در پایان تشکر مخصوص، متوجه دوستانی است که آشنایی و دوستی با آن ها و لحظه های در کنارشان بودن، مایه ی مباحثات، غرور و آرامش من بود و مرا توان جبران خوبی های آنان نیست.

## چکیده

اسطوره به عنوان یکی از شیوه‌های بیان غیرمستقیم در آثار ادبی، پیوندی عمیق با ادبیات دارد به طوری که در آثار شاعران و نویسندگان دوره‌های مختلف و مکاتب ادبی گوناگون، شاهد به کارگیری اسطوره هستیم. هنرمند معاصر، با توجه به اوضاع و شرایط فرهنگی و اجتماعی عصر خود، شیوه‌های سنتی انتقال پیام و استفاده از زبان صریح را مناسب نمی‌داند؛ از این رو به اسطوره که یکی از قالب‌های انتقال پیام فلسفی، اخلاقی و سیاسی و... است، روی می‌آورد تا این گونه پیام خویش را به شیوه‌ای هنرمندانه و متفاوت به مخاطب انتقال دهد. جبران خلیل جبران، شاعر و نویسنده‌ی معاصر لبنانی، از اولین کسانی است که در عصر حاضر به استخدام اسطوره در آثار خود روی آورد. از آن جا که استفاده از اسطوره به اثر ادبی، زبانی نمادین و رمزگونه می‌بخشد و به آن معانی و مفاهیمی پنهان در لایه‌های درونی متن می‌دهد، پژوهش حاضر قصد دارد با تکیه بر چهار مجموعه‌ی: *العربیّة، المعرّبه، نصوص خارج المجموعه و الشعر* به بررسی اسطوره در آثار جبران پرداخته و از این طریق اسطوره‌های به کاررفته در آثار وی، چگونگی حضور و علل بازآفرینی اسطوره در آن‌ها را تبیین نماید و در فهم بیشتر و بهتر مفاهیم آن، به مخاطب یاری رساند. لازم به ذکر است؛ این مهم از طریق استخراج اسطوره‌های برجسته‌تر در آثار جبران و سپس تجزیه و تحلیل آن‌ها، براساس منابع اساطیری موجود، صورت پذیرفت و در نهایت مشخص گردید که جبران، زبان نمادین و غیرصریح اسطوره را برای بیان دردهای انسان و جامعه‌ی معاصر و گاهی نیز اعتقادات و ارزش‌های خویش برمی‌گزیند. او در این مسیر اسطوره‌های ملل مختلف به‌ویژه اساطیر یونان و روم و اساطیر برگرفته از آیین مسیحیت را، گاه به شیوه‌ی معمول و گاه با دگرگونی در مفاهیم به کار می‌برد.

**کلیدواژه‌ها:** اسطوره، سمبولیسم، نماد، جبران خلیل جبران، مجموعه‌ی *العربیّة*، مجموعه‌ی *المعرّبه*، نصوص خارج المجموعه.

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۲
شرح مسأله‌ی پژوهش.....	۱۲
پرسش‌های پژوهش.....	۱۳
فرضیه‌های پژوهش.....	۱۳
ضرورت، اهداف و کاربردهای پژوهش.....	۱۳
پیشینه‌ی پژوهش.....	۱۴
نوآوری پژوهش.....	۱۶
روش پژوهش.....	۱۶
گزارش اجمالی پایان‌نامه.....	۱۷
<b>فصل اول: کلیات.....</b>	<b>۱۹</b>
۱. ۱. میثولوژی، دانش اساطیر.....	۱۹
۱. ۲. اسطوره در لغت و اصطلاح.....	۲۰
۱. ۳. اهمیت، هدف و فایده‌ی اسطوره.....	۲۳
۱. ۴. انواع اسطوره.....	۲۶
۱. ۵. اسطوره نزد ملل مختلف.....	۲۸
۱. ۶. زبان اسطوره.....	۳۰
۱. ۷. دگردیسی اسطوره.....	۳۱
۱. ۸. کارکرد اسطوره.....	۳۳
۱. ۹. اسطوره و ادبیات.....	۳۶
۱. ۱۰. اسطوره در ادبیات عربی.....	۳۸
۱. ۱۱. تفاوت اسطوره و افسانه.....	۴۱
۱. ۱۲. اسطوره در قرآن.....	۴۴
<b>فصل دوم: زندگی، آثار و اندیشه‌ی جبران خلیل جبران.....</b>	<b>۴۶</b>

۴۶	۱. زندگی جبران.....
۴۹	۲. آثار جبران.....
۵۰	۱. آثار عربی.....
۵۰	۱. ۱. ۲. ۲. ۱. ۱. الموسیقی.....
۵۰	۲. ۲. ۱. ۲. ۱. عرائس المروج.....
۵۱	۲. ۲. ۱. ۳. الأرواح المتمرده.....
۵۲	۲. ۲. ۱. ۴. الأجنحه المتكسره.....
۵۲	۲. ۲. ۱. ۵. دمه و إبتسامه.....
۵۳	۲. ۲. ۱. ۶. المواكب.....
۵۳	۲. ۲. ۱. ۷. العواصف.....
۵۴	۲. ۲. ۱. ۸. البدائع و الطرائف.....
۵۴	۲. ۲. ۲. آثار انگلیسی.....
۵۴	۲. ۲. ۲. ۱. المجنون.....
۵۴	۲. ۲. ۲. ۲. السابق.....
۵۵	۲. ۲. ۲. ۳. النبی.....
۵۶	۲. ۲. ۲. ۴. رملٌ وزبدٌ.....
۵۶	۲. ۲. ۲. ۵. يسوع ابن الإنسان.....
۵۶	۲. ۲. ۲. ۶. آلهه الأرض.....
۵۷	۲. ۲. ۲. ۷. التائه.....
۵۷	۲. ۲. ۲. ۸. حديقه النبی.....
۵۸	۲. ۲. ۳. سایر آثار.....
۵۹	۳. ادبیات و سبک جبران.....
۶۴	<b>فصل سوم: بررسی کارکرد اسطوره در آثار جبران.....</b>
۶۴	۱.۳. بررسی اسطوره در مجموعه‌ی «العربیّه».....



٦٤	١. ١. ٣	الموسيقى
٦٧	١. ٢. ٣	رماذُ الأجيال والنَّار الخالده
٦٩	١. ٣. ٣	الأجنحه المتكسّره
٧٢	١. ٤. ٣	بناتُ البحر
٧٤	١. ٥. ٣	بين الخرائب
٧٤	١. ٦. ٣	رؤيا
٧٦	١. ٧. ٣	أمام عرشِ الجمالِ
٧٦	١. ٨. ٣	شعراءُ المَهجر
٧٨	١. ٩. ٣	الرفيقه
٧٨	١. ١٠. ٣	اللقاء
٨٠	١. ١١. ٣	الشاعر
٨١	١. ١٢. ٣	الطفلُ يسوعُ
٨٢	١. ١٣. ٣	مناجاةُ الأرواح
٨٣	١. ١٤. ٣	أغانى
٨٤	١. ١٥. ٣	يسوع المصلوب
٨٥	١. ١٦. ٣	على باب الهيكل
٨٧	١. ١٧. ٣	نحن و انتم
٨٨	١. ١٨. ٣	إرم ذات العماد
٩١	٢. ٣	بررسی اسطوره در مجموعه‌ی «المعربّه»
٩١	١. ٢. ٣	المجنون
٩٣	٢. ٢. ٣	النبي
٩٨	٣. ٢. ٣	يوحنا المعمدان، لواحد من تلاميذه
٩٩	٤. ٢. ٣	سركيس الراعى اليونانى الشيخ
١٠٠	٥. ٢. ٣	إمرأه من جبيل، مرثاه

۱۰۲	.....	۳.۳. بررسی اسطوره در مجموعه‌ی «نصوص خارج المجموعه»
۱۰۲	.....	۳.۳.۱. حفار القبور و المبخرون
۱۰۴	.....	نتیجه‌گیری
۱۰۷	.....	فهرست منابع و مآخذ

## پیشگفتار

### شرح مسأله‌ی پژوهش

انسان در شرایط مختلف زندگی، متأثر از هیجانات و احساسات روحی متفاوتی است و افکار مختلفی در ذهن دارد که در هر شرایطی این حالات روحی و درونی را به شیوه‌ای خاص بیان می‌دارد تا از این طریق، احساس و اندیشه‌ی خود را به دیگران منتقل کند. یکی از بارزترین شیوه‌های بیان این احساسات و افکار، استفاده از رمز و اسطوره به عنوان یک ابزار بیانی است که به شاعر یا نویسنده این امکان را می‌دهد تا به شیوه‌ای غیرمستقیم با مخاطب خویش ارتباط برقرار کرده و متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و به طور کلی شرایط خاص عصر خویش به ابراز افکار و اندیشه‌هایش بپردازد.

استفاده‌ی شاعران و نویسندگان از اسطوره چندان پدیده‌ی تازه‌ای نیست؛ چراکه میان اسطوره و ادبیات از دیرباز پیوندی عمیق برقرار بوده است. امروزه در همه‌ی مکاتب ادبی شناخته شده در جهان، می‌توان این پیوند را مشاهده کرد. مکتب سمبولیسم از جمله مکاتبی است که بیش از سایر مکاتب ادبی، شاهد حضور اسطوره در آثار ادبای وابسته به آن می‌باشیم. در میان اندیشه‌وران و ادبای معاصر عربی، جبران خلیل جبران که از پیش‌گامان مکتب سمبولیسم در ادبیات عربی به‌شمار می‌رود و آثارش در بیش‌تر کشورهای جهان مورد توجه ادب‌دوستان است، از ادبایی است که تاثیر اسطوره و فضای اسطوره‌ای آثارش سبب شده است، در پس معنای ظاهری نوشته‌هایش، معانی پنهانی وجود داشته باشد.

وی یکی از برجسته‌ترین شاعران و نویسندگان ادبیات معاصر عربی به‌شمار می‌رود که تلاش‌های وی برای نوگرایی و تجدّد در ادبیات عربی در آثارش مشهود است و یکی از این نشانه‌های نوگرایی، تلاش برای به‌کارگیری اسطوره است. بنابراین نوع نگاه این ادیب برجسته به اسطوره و

چگونگی استفاده از آن و کارکرد اسطوره در آثار وی شایسته‌ی پژوهش و بررسی است. مسأله‌ی اصلی این پژوهش، مطالعه و بررسی انواع اسطوره‌های به‌کاررفته توسط جبران، چگونگی بازتاب آن‌ها در آثارش و تبیین هدف وی از استخدام آن‌ها است. به‌طور کلی این پژوهش قصد دارد جایگاه اسطوره در آثار این شاعر و نویسنده‌ی برجسته را بررسی و مشخص نماید که در آثار وی کدام اسطوره‌ها و چگونه خود را به مخاطب نمایانده‌اند.

### **پرسش‌های پژوهش**

۱. جبران خلیل جبران در نگارش آثار خود بیش‌تر از کدام اسطوره‌ها استفاده کرده است؟
۲. تصورات و نگاه‌های شخصی جبران چه تغییری در کارکرد معنایی و ساختاری اسطوره‌ها ایجاد کرده است؟
۳. دلایل کاربرد اسطوره توسط جبران در آثارش چیست؟

### **فرضیه‌های پژوهش**

۱. در آثار جبران، اساطیر ملل مختلف به‌کار گرفته شده است اما از میان همه‌ی آن‌ها جایگاه اساطیر غربی برجسته‌تر است.
۲. جبران گاهی در مسیر تحقق افکار و اهدافش و هم‌چنین برای تصویر جامعه‌ی ایده‌آل خود، اسطوره‌ها را با حفظ ساختار و گاه با دگرگونی ساختار بازتاب داده است.
۳. جبران با توسل به اسطوره و در تقابل قراردادن جهان اساطیر با عصر حاضر و برجسته نشان دادن ویژگی‌های اخلاقی، معنوی و عرفانی دنیای اسطوره‌ای، مشکلات انسان معاصر را به تصویر کشیده و به دنبال راه چاره می‌گردد.

### **ضرورت، اهداف و کاربردهای پژوهش**

پیوند انکارناپذیر ادبیات و اسطوره تا آن‌جاست که برخی معتقدند، حیات یکی از آن‌ها وابسته به دیگری است؛ چراکه اسطوره‌ها را حتی آن‌زمان که توسط انسان‌های باستان آفریده شده‌اند، به سبب تخیل سرشارشان، آفریده‌های ادبی می‌دانند.

مطالعه‌ی اسطوره در آثار ادبی به عنوان یکی از ابزار تغذیه‌ی تخیل ادبی، از جهات گوناگون حائز اهمیت است. این مطالعات علاوه بر شناخت افکار ادیب، توانمندی‌های خاص ادبیات برای

حفظ اسطوره که میراث ادبی و کهن ملل و فرهنگ‌های مختلف است را شناسایی می‌کند و به مخاطب این امکان را می‌دهد که به مفاهیم و کاربرد داستان‌ها و روایات اساطیری در زندگی خویش پی‌برد و این به منزله‌ی تجدید حیات اسطوره‌ها است.

در حقیقت این پژوهش از آن جهت ضروری است که جبران از شاعران و نویسندگان محبوب و مورد توجه در سراسر جهان است و آثارش در میان خوانندگان محبوبیت فراوانی دارد. علاوه بر این به نظر می‌رسد تاکنون چگونگی بازتاب اسطوره در آثار وی به شکلی فراگیر مورد پژوهش قرار نگرفته است. بنابراین این پژوهش می‌تواند در فهم بهتر افق اندیشه‌ها و اعتقادات جبران و مفاهیم نهفته در آثارش به مخاطب، به‌ویژه دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات عربی و ادبیات تطبیقی و هم‌چنین علاقه‌مندان به حوزه‌ی اسطوره‌پژوهی و آثار این شاعر و نویسنده‌ی لبنانی کمک شایانی نماید.

### **پیشینه‌ی پژوهش**

در زمینه‌ی بررسی و مطالعه‌ی اسطوره در آثار شاعران و نویسندگان معاصر عربی، پژوهش‌های متعددی در قالب پایان‌نامه و مقاله انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پایان‌نامه‌ی دانشگاه تربیت معلم سبزوار در سال ۱۳۸۶ با عنوان: *بررسی اسطوره در شعر آدونیس، نوشته‌ی مهدیه شمشیری.*
- پایان‌نامه‌ی دانشگاه قم در سال ۱۳۹۲ با عنوان: *بررسی کارکرد اسطوره در شعر امل دنقل، نوشته‌ی الهام احمدپور.*
- پایان‌نامه‌ی دانشگاه قم در سال ۱۳۹۲ با عنوان: *بررسی اسطوره و رمزگرایی در اشعار خلیل حاوی، نوشته‌ی بهرعلی رضایی.*
- پایان‌نامه‌ی دانشگاه کاشان در سال ۱۳۹۰ با عنوان: *اسطوره‌ی سندباد در شعر معاصر عربی (با تکیه بر شعر صلاح عبدالصبور، خلیل حاوی، بدرشاکر السیاب، عبدالوهاب البیاتی)، نوشته‌ی الهام بوجاریان آرانی.*

- مقاله‌ی «نقد توصیفی- تحلیلی اسطوره در شعر بدرشاگرد سیاب (مطالعه‌ی مورد پژوهانه: اسطوره‌ی سربروس و تموز)»، نوشته‌ی یحیی معروف و پیمان صالحی در سال ۱۳۹۰، دانشگاه رازی کرمانشاه.
  - و ....
  - از آن‌جا که جبران شاعر و نویسنده‌ای شناخته شده است، در موارد متعددی آثار وی در زمینه‌های گوناگون مورد پژوهش قرار گرفته است، از جمله:
  - پایان‌نامه‌ی دانشگاه تربیت مدرس تهران در سال ۱۳۸۱ با عنوان: بررسی مکتب رمانتیسیم در آثار جبران خلیل جبران، نوشته‌ی روح‌الله جعفری.
  - پایان‌نامه‌ی دانشگاه کردستان در سال ۱۳۸۷ با عنوان: بررسی گرایش‌های رمانتیک ادبیات داستانی جبران خلیل جبران، نوشته‌ی علی زارعی.
  - پایان‌نامه‌ی دانشگاه کردستان در سال ۱۳۸۹ با عنوان: تحلیل و بررسی مبانی انسان‌دوستی جبران خلیل جبران، نوشته‌ی کبری شاکری.
  - کتاب به باغ همسفران (درباره‌ی جبران و سپهری) تألیف سیدحسین سیدی.
  - کتاب مقدمه فی فکر جبران سیاسی، نوشته‌ی سلیم بدوی.
  - کتاب جبران الفیلسوف، نوشته‌ی غسان خالد.
  - کتاب جبران و اللغة العربیة، نوشته‌ی أمیل بدیع یعقوب.
- و موارد بسیاری از این قبیل که ذکر تمامی آن‌ها در این پژوهش نمی‌گنجد.
- اما در زمینه‌ی بررسی اسطوره در آثار جبران، آقای محمداسماعیل رفیعی‌راد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، به بررسی رمزهای اسطوره‌ای طبیعت در آثار سهراب سپهری و جبران خلیل جبران اختصاص داده است که در زمستان ۱۳۹۰ از آن دفاع شد. در این پایان‌نامه آن دسته از عناصر طبیعت که در فرهنگ‌ها و آیین‌های مختلف، ریشه‌های اسطوره‌ای داشته‌اند؛ یعنی مردم روزگار کهن در آیین‌ها و مراسم ویژه‌ی دینی و ملی خود از آن‌ها به عنوان نیروهای فراطبیعی کمک می‌گرفته‌اند، در آثار سهراب سپهری و جبران خلیل جبران بررسی و مقایسه شده است. این رساله تنها عناصری چون آب،

آتش، باران، درخت و ... را که عناصر اسطوره‌ای هستند، مورد پژوهش قرار داده و اسطوره به طور خاص در آن بررسی نشده است.

علاوه بر این مقاله‌ای با عنوان «الرمز و الأسطورة و الصورة الرمزية في آثار جبران» نوشته‌ی سردار اصلانی، نصرالله شاملی و عسکرعلی کرمی از دانشگاه اصفهان، که تاکید بیش‌تر این مقاله بر رمز و رمزگرایی در آثار جبران است، به‌طوری که ویژگی‌های رمزگرایی وی جداگانه در داستان‌ها، مقالات و سایر آثار بررسی شده است، در حالی که در این مقاله به شکل بسیار اجمالی و در تعداد کمی از داستان‌ها و مقالات مجموعه‌ی *العربية* از اسطوره سخن به میان آمده است و در این موارد نیز هنوز جای بحث و بررسی وجود دارد. در کتاب *به باغ همسفران* که پیش‌تر ذکر شد نیز تنها به وجود اسطوره در آثار جبران به شکل گذرا اشاره شده است.

## نوآوری پژوهش

پیداست که در میان پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون جبران و آثار وی تاکنون پژوهشی یکپارچه و منظم که به‌طور خاص به بررسی اسطوره در آثار وی بپردازد و آنرا به شکل همه‌جانبه بررسی نماید وجود ندارد. نوآوری این پژوهش در آن است که به‌شکل خاص بر روی موضوع اسطوره در آثار جبران متمرکز است و به گونه‌ای فراگیر به مطالعه‌ی اسطوره و بازتاب و چگونگی حضور آن در آثار وی می‌پردازد.

## روش پژوهش

این پژوهش به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری از منابع موجود و با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی صورت گرفته است. در ارجاع منابع، شیوه‌ی پیشنهادی دکتر محمود فتوحی در کتاب *آیین نگارش مقاله‌ی علمی - پژوهشی* مدنظر بوده است. هم‌چنین رسم‌الخطّ پایان‌نامه برای عبارات فارسی براساس رسم‌الخطّ مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

در مطالعه‌ی آثار جبران، کتاب‌های *المجموعه الكاملة لمؤلفات جبران خلیل جبران* که چهار جلد و تحت عناوین *العربية، المعربة، نصوص خارج المجموعة و الشعر* می‌باشد مبنای کار بوده است که البته پس از بررسی مشخص گردید، وجه غالب سروده‌های جبران نماد است؛ بنابراین سایر کتاب‌ها به‌جز مجموعه‌ی شعری و هر کدام به طور جداگانه از منظر اسطوره‌پژوهی و به شیوه‌ی نقد

تحلیلی- توصیفی مورد مطالعه قرار گرفت. پس از مطالعه و فیش‌برداری از منابع مربوط به شناخت اساطیر و اسطوره‌پژوهی و همچنین زندگی‌نامه‌ی جبران، بررسی آثار وی آغاز و آن‌دسته از اسطوره‌های موجود که حضور پررنگ‌تر و برجسته‌تری در متون داشتند استخراج شد، سپس با استفاده از کتاب‌ها و فرهنگ‌های اساطیر مختلف، اسطوره‌های موردنظر مطالعه و پس از آن بازتاب اسطوره در متن باتوجه به داستان اسطوره و ویژگی‌های اصلی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت نتایج پژوهش استخراج گردید. لازم به ذکر است دسته‌بندی اسطوره‌ها براساس اسطوره‌های موجود در هر مجموعه صورت گرفته و نتایج پژوهش نیز بر همین اساس تبیین شده است.

از آن‌جا که هر چهار مجموعه‌ی مذکور فاقد اطلاعات نشر و سال انتشار بود، برای جلوگیری از اشتباه در ارجاع متون انتخابی به این کتاب‌ها، نخست آثار مؤلف با حروف الفبا رده‌بندی شد؛ بدین ترتیب که به مجموعه‌ی العریّیة حرف «الف»، المعریّة حرف «ب»، نصوص خارج المجموعه حرف «ج» و الشعر حرف «د» اختصاص یافت. پس از آن در ارجاع متون به مجموعه‌ها، حرف اختصاص داده شده به هر اثر ذکر گردید.

لازم به ذکر است برخی از آثار جبران در ایران، توسط مترجمان بسیاری ترجمه شده است اما از آن‌جا که به نظر می‌رسد گاهی نظرات شخصی مترجم در ترجمه تاثیرگذار است، متون شخصاً ترجمه شد؛ بنابراین ترجمه‌های ارائه شده از متون، ترجمه‌ی خود نگارنده می‌باشد. اما در ترجمه‌ی آیات قرآن کریم به سبب حساسیت امر، از ترجمه‌ی استاد مهدی الهی قمشه‌ای استفاده شده است.

## گزارش اجمالی پایان‌نامه

نوشتار حاضر در سه فصل شامل: کلیات، زندگی، آثار و اندیشه‌ی جبران خلیل جبران و بررسی کارکرد اسطوره در آثار جبران، تدوین شده است. در فصل اول، به موضوعاتی از جمله: تعریف دانش اساطیر، تعریف لغوی و اصطلاحی اسطوره، اهمیت، هدف و فایده‌ی اسطوره، جایگاه آن نزد ملل مختلف و مواردی از این قبیل پرداخته شده است تا پیش درآمدی از اسطوره در اختیار مخاطب قرار گیرد.



فصل دوم، به شرح حال جبران خلیل جبران و مهم‌ترین وقایع زندگی وی از تولد تا وفات، معرفی آثار ادبی و سبک وی در آثارش اختصاص یافته است. در این فصل تمامی آثار نظم و نثر جبران به تفکیک در سه بخش آثار عربی، آثار انگلیسی و سایر آثار معرفی شده است. علاوه بر این، آثار در هر بخش به ترتیب سال انتشار آورده شده است. شایان ذکر است، معرفی همه‌ی آثار در این فصل بدان جهت بود که کلیه‌ی آثار جبران نمونه‌های ارزشمند ادبی هستند و تقریباً تمامی آن‌ها از فضایی نمادین برخوردارند، بنابراین معرفی آن‌ها می‌تواند علاوه بر این که تصویری کلی از هر اثر در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، در شناساندن شخصیت و افکار مؤلف نیز کمک شایانی نماید؛ چراکه یکی از راه‌های شناخت اندیشه‌های یک ادیب مطالعه‌ی آثار وی است.

در فصل سوم نیز که مهم‌ترین قسمت پایان‌نامه می‌باشد، از میان آثار معرفی شده در فصل قبل، مواردی که ردپای اسطوره در آن به شکل برجسته‌تری مشاهده شده بود انتخاب و از منظر اسطوره‌پژوهی مورد بررسی قرار گرفت.

در پایان از استاد عزیز و فرزانه، جناب آقای دکتر عبدالرحیم حقدادی که راهنمایی این پایان‌نامه را برعهده داشتند و با نگاه نقادانه و کلام استوارشان، در کمال صبر و حوصله و با راهنمایی‌های دقیق و علمی بی‌شائبه‌ی خویش در طول انجام این پایان‌نامه، به طرح ایراداتی که ناشی از کاستی‌های بسیار کار من بود، پرداخته و از هیچ کوششی برای بهبود آن دریغ نورزیدند و محضر ایشان همواره برای من ایده‌ها و نکات بسیار جالب و مهمی را در برداشت، سپاس‌گزارم و از زحمات فراوان ایشان در طول دوره‌ی تحصیل، کمال تشکر و امتنان را دارم.

هم‌چنین از زحمات ارزنده‌ی استاد عزیز و بزرگوار، جناب آقای دکتر محمدرضا عزیزی که مسئولیت استاد مشاور در این پایان‌نامه بر عهده‌ی ایشان بود و علاوه بر آن در طول دوره‌ی تحصیل نیز همواره با بیان نکات علمی، دقیق و آموزنده، مرا از راهنمایی‌های ارزشمندشان بهره‌مند ساختند، کمال تشکر و امتنان را دارم. موفقیت، سلامتی و سربلندی هرچه بیش‌تر این بزرگواران را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

## فصل اول: کلیات

### ۱.۱. میثولوژی، دانش اساطیر

میثولوژی (Mythologie) یا همان دانش اساطیر و اسطوره‌شناسی، دانشی است که جزو شاخه‌های علمی جدید به شمار می‌رود. «این دانش به شکل امروزی در میان علمای قدیم شناخته شده نبوده است و حتی در میان اروپائیان که به اسطوره‌ها توجه خاصی دارند، این دانش در اواخر قرن هجده میلادی به شکل پژوهش‌های علمی مورد توجه قرار گرفت». (عبدالمعید خان، ۱۹۳۷: ۱)

«نخستین کسانی که به اسطوره‌شناسی توجه کرده‌اند، فیلسوفان سده‌های سوم و دوم پ.م. بودند. رشد فلسفه در یونان باستان باعث رشد تفسیرهای تمثیلی اسطوره گشت. از جمله، مفاهیم ژرف‌تر و پنهان در متون اساطیری باز شناخته شد. این مفاهیم از پدیده‌های طبیعی با ارزش‌های انسانی استخراج گردید». (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۴۳)

همان‌طور که ذکر شد، بررسی دقیق‌تر اسطوره‌ها در غرب از اواخر قرن هجده میلادی آغاز شد و طبق منابع موجود، بیش‌تر مطالعات اسطوره‌ای آن دوران، بر روی اساطیر کلاسیک یونان و روم صورت گرفت. دانشمندان کم‌کم به ارائه‌ی تعاریف مختلفی از اسطوره روی آوردند و هرکدام تفسیرهای مختلفی از آن ارائه کردند. با بررسی تعاریف مختلف ارائه‌شده از اسطوره در آن زمان آشکار می‌گردد که هرکدام از دانشمندان، تعریفی مربوط به دسته‌ای خاص از اساطیر ارائه کرده‌اند که تعریف جامعی به حساب نمی‌آید. «بالاخره فریدریش کروزر در سده‌ی نوزده اسطوره‌شناسی را به‌عنوان یک علم مستقل مطرح نمود و همو بود که مکتب نمادی یا رمزی را بنیان نهاد و از اسطوره تعبیر نمادین کرد». (همان، ۴۵) بنابراین اسطوره‌شناسی در قرن نوزده بود که به شکل علمی پایه‌گذاری شد و از آن‌پس نظریات و پژوهش‌ها در این زمینه چارچوب منظم و هدفمندتری

کسب کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت: میثولوژی دانش‌آشنایی با تاریخ اولیه‌ی جهان و انسان باستانی است.

## ۱.۲. اسطوره در لغت و اصطلاح

اسطوره در لغت «واژه‌ای است معرب از یونانی "Historia" به معنای جست‌وجو، آگاهی و داستان؛ و از مصدر "Historian" به معنای بررسی کردن و شرح دادن؛ واژه‌ی اروپایی برابر آن "Myth" در انگلیسی؛ "Mythe" در فرانسه؛ "Myth-e" در آلمانی؛ از واژه‌ی یونانی "Mythos" به معنای شرح، خبر و قصه گرفته شده است». (بهار، ۱۳۵۲: ۲۲)

این واژه در زبان فارسی نیز واژه‌ای است «مأخوذ از الاسطوره و الاساطیر عربی. این واژه در زبان عربی به معنای روایت و حدیثی است که اعتباری ندارد. الاسطوره‌ی عربی خود مأخوذ از واژه‌ی یونانی "Historia" به معنای "روایت، استفسار، کاوش، آگاهی، شرح و تاریخ" است». (بهار، ۱۳۷۵: ۳۳۳)

در فرهنگ‌های تازی نیز اسطوره واژه‌ای «برآمده از سطر به معنی "نوشتن" انگاشته شده است. تسطیر در آن زبان (تازی) که از باب تفعیل است از سطر، به معنی گردآوردن افسانه‌ها به کار برده شده است؛ لیک می‌توان انگاشت که اسطوره را با سطر (نوشتن) پیوندی نیست و از ریشه‌ای دیگر برآمده است. شاید بتوان انگاشت که اسطوره واژه‌ای است که در بنیاد، تازی نیست، و مانند بسیاری از واژه‌های دیگر در این زبان، از دیگر زبان‌ها گرفته شده است» (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۱۲)

در فرهنگ فارسی معین نیز، برای اسطوره دو معنا ذکر شده است که عبارت‌اند از: «افسانه، قصه» و «سخن پریشان». (معین. «اسطوره»)

دهخدا در لغت‌نامه‌ی مشهور خود، اساطیر را جمع اسطار و اسطاره و اسطیره و اسطیر و اسطوره ذکر کرده است و آورده است که: «سیوطی (متوفی ۵۹۱۱هـ) در المزه‌ر گوید: اساطیر جمع‌ی باشد بی واحد؛ و ابوعبیده (متوفی ۵۲۱۰هـ) گوید: واحد آن اسطاره است و بعضی دیگر بر آن‌اند که جمع سطر، اسطار باشد و جمع اسطار، اساطیر است به معنی سخن‌های پریشان، بیهوده و افسانه‌ها». (دهخدا. «اسطوره»)

دهخدا به نقل از *غیاث اللغات* اسطوره را، افسانه‌های باطل و به معنی اباطیل و اکاذیب و قصه‌های دروغ ذکر کرده است.

پس از ذکر معانی لغوی این واژه، به تعریف اصطلاحی اسطوره از دیدگاه برخی صاحب‌نظران می‌پردازیم: معنی اصطلاحی اسطوره در مکاتب و دیدگاه‌های گوناگون اسطوره‌شناسی متفاوت است؛ چراکه هرکدام از مکاتب مختلف، اسطوره را از جنبه‌ی ارتباط آن با عناصر و مفاهیم خود تعریف کرده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه کرد؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت: «از اسطوره دو تعریف متضاد در دست است: نخست تعریف علمای اسطوره‌شناس معاصر که در آن معنایی رمزی می‌یابند و دو دیگر تعریف مرسوم و متداول تا زمان حاضر که آن را "بی‌معنی" پنداشته است؛ یا درست‌تر بگوییم برخی از واژه‌ی اسطوره فقط داستانی موهوم مراد می‌کنند و برخی دیگر الگوی لازم‌الاتباع، اسوه‌ی حسنه که منشأ فوق‌انسانی دارد و همچون سنتی مقدس، از پیشینیان به بازماندگان می‌رسد». (ستاری، ۱۳۷۶: ۵)

در کتاب *تاریخ اساطیری ایران* نیز آمده است: «در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره معنی "آنچه خیالی و غیرواقعی است و جنبه‌ی افسانه‌ای محض دارد" یافته است؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی "مینوی" دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به‌صورت فراسویی که دست‌کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. به‌عبارت دیگر سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. شخصیت‌های اسطوره را موجودات مافوق طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌ای از تقدس، قهرمان‌های مثبت آن را فراگرفته است». (آموزگار، ۱۳۷۴: ۳-۴)

«ژان پل سارتر (متوفی ۱۹۸۰م)، فیلسوف و نویسنده‌ی نامدار فرانسوی، مفهوم اسطوره را نزدیک به معنای "مدینه‌ی فاضله" می‌داند و تفاوت آن دو را این‌گونه یادآور می‌شود که تفاوت اسطوره با مدینه‌ی فاضله در این است که مدینه‌ی فاضله تجسم ذهنی و انتزاعی مردم روشنفکر است؛ حال آنکه اسطوره، غریزه‌ی عمیق طبقات فرودست جامعه را نمودار می‌سازد و نیز در این است که اسطوره را پیش از آنکه مدون شود، به کار می‌بندند، یعنی در آن می‌زیند و آن را از طریق قصه‌ها و افسانه‌ها و با اجرای آداب و مراسم و مناسک زنده می‌دارند». (واحد دوست، ۱۳۸۱: ۴۰)